



University of Tehran Press

Examining Ayatollah Javadi Amoli's and Ayatollah Mesbah Yazdi's Perception of "Theology " and Its Role in Explaining the Extent of Scientific Authority of the Qur'an

Saleheh Malboobi¹ | Mohammad Sadeq Yousefi Moqaddam² | Seyyed Mohammad Musavi Moqaddam^{3*}

1. Department of Comparative Interpretation, Faculty of Islamic Sciences and Education, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. E-mail: s.malboobi25@chmail.ir
2. Department of Comparative Studies, Research Institute of Culture and Quranic Sciences, Research Institution of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran. E-mail: yousefimoqaddam@isca.ac.ir
3. Corresponding Author, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran. E-mail: sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received 23 November 2024
Received in revised form 20 January 2025
Accepted 03 February 2025
Published online 17 March 2025

Keywords:
Holy Qur'an,
scientific authority,
theology,
Ayatollah Javadi,
Ayatollah Mesbah,
fields of sciences

ABSTRACT

The discussion of the scientific authority of the Holy Quran is not only a basic principle in the field of Islamic thought, but it has been emphasized by Shia scholars. Therefore, the Qur'an, as the common axis of all Muslims, should be the center of different sciences, both Islamic and human, and the main feature of the Islamic movement in the world should be formed based on it. In this direction, many efforts have been made; however, its methodological dimensions, theoretical foundations and application directions have not been given serious attention so far, and it has not been adequately addressed in the realm of academic efforts of Islamic scholars. The approach to the scientific authority of the Holy Qur'an speaks of the position of knowledge and revelation in Islamic, human and natural sciences as different fields of sciences. Additionally,, in each of the sciences, there are different realms as the levels of that science, and the scientific authority of the Holy Qur'an is to investigate the effect of the Qur'an on this level of knowledge. The upcoming research aims to analyze the views of Ayatollah Javadi Amoli and Ayatollah Misbah Yazdi on the scope of scientific authority of the Qur'an in terms of its ability to cite. This article will deal with the theories and views of the above two commentators regarding the scientific authority of the Qur'an using a descriptive method and a case study.

Cite this article: Malboobi, S., Yousefi Moqaddam, M. S. & Musavi Moqaddam, S. M. (2025). Examining Ayatollah Javadi Amoli's and Ayatollah Mesbah Yazdi's Perception of "Theology " and Its Role in Explaining the Extent of Scientific Authority of the Qur'an. *Philosophy of Religion*, 21, (4),331-346.
<http://doi.org/10.22059/jpht.2025.385679.1006086>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2025.385679.1006086>



دانشگاه تهران

نشریه فلسفه دین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jpht.ut.ac.ir>

بررسی تلقی آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح‌یزدی از «علم دینی» و نقش آن در تبیین گستره مرجعیت علمی قرآن

صالحه ملبوبی^۱ محمدصادق یوسفی مقدم^۲ سیدمحمد موسوی مقدم^{۳*}

۱. گروه تفسیر تطبیقی، دانشکده علوم و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه و پژوهشگر همکار موسسه آموزش عالی و حوزوی معصومیه خواهران، قم، ایران، رایانامه: s.malboobi25@chmail.ir

۲. گروه مطالعات تطبیقی، پژوهشکده فرهنگ و علوم قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران، رایانامه: yousefimoqaddam@isca.ac.ir

۳. نویسنده مسئول، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران، رایانامه: sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

کلیدواژه:

آیت‌الله جوادی،

آیت‌الله مصباح،

علم دینی،

قرآن کریم،

گستره علوم،

مرجعیت علمی.

بحث مرجعیت علمی قرآن کریم نه تنها یک اصل اساسی در حوزه تفکر اسلامی است، بلکه از سوی دانشمندان شیعه مورد تأکید بوده است. از این رو، قرآن به عنوان محور مشترک همه مسلمانان، باید در علوم مختلف، اعم از اسلامی و انسانی، مدار و محور قرار بگیرد و شاخصه اصلی حرکت اسلامی در جهان بر مبنای آن شکل بگیرد. در این مسیر، تلاش‌های زیادی صورت گرفته؛ اما ابعاد روش‌شناختی، مبانی نظری، و جهت‌گیری‌های کاربردی آن تاکنون مورد توجه جدی قرار نگرفته و در قلمرو تلاش آکادمیک دانشمندان اسلامی نبوده است. رویکرد مرجعیت علمی قرآن کریم از جایگاه معرفتی و وحیانی در علوم اسلامی، انسانی، و طبیعی به عنوان عرصه‌های گوناگون علوم سخن به میان می‌آورد. همچنین در هر یک از علوم قلمروهای مختلفی به عنوان سطوح آن علم وجود دارد که مرجعیت علمی قرآن کریم به دنبال بررسی تأثیر قرآن بر این سطوح دانشی است. تحقیق پیش رو با هدف واکاوی نظریات آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح‌یزدی به گستره مرجعیت علمی قرآن از حیث داشتن قابلیت استناد می‌پردازد. این مقاله با روش توصیفی و مطالعه موردی به نظریات و دیدگاه دو مفسر فوق درباره مرجعیت علمی قرآن خواهد پرداخت.

استناد: ملبوبی، صالحه؛ یوسفی مقدم، محمدصادق و موسوی مقدم، سید محمد (۱۴۰۳). بررسی تلقی آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح‌یزدی از «علم دینی» و نقش آن در تبیین گستره مرجعیت علمی قرآن. فلسفه دین، ۲۱ (۴)، ۳۴۶-۳۳۱.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2025.385679.1006086>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2025.385679.1006086>

© نویسندگان



مقدمه

از دو دهه گذشته مرجعیت علمی قرآن به عنوان ادبیات جدید در مطالعات قرآنی در کنار مفاهیمی نظیر جامعیت علمی قرآن کریم مطرح شده که ارتباطی مستقیم با یکدیگر دارد. به طور کلی، این طیف از مفاهیم در راستای بهره‌گیری از معارف قرآن در راستای دانش انسان، به‌خصوص در حیطه علوم انسانی، مطرح شده است. فهم گستره و پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشری، اعم از مادی و معنوی، بسیار مهم و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. زیرا پذیرش و رد این ادعا مبنی بر مرجعیت علمی قرآن کریم مسئله‌ای نیست که بتوان به‌سادگی از آن گذشت. این ساده‌انگاری اگر منجر به محدود کردن گزاره‌های مختلف علوم شود خطبی آشکار است. قبل از تبیین مرجعیت علمی قرآن، ضروری است مفهوم جامعیت قرآن نیز بیان شود. بدون تردید، اعتقاد به جامعیت قرآن کریم سبب پذیرش مرجعیت قرآن کریم می‌شود. زیرا مرجعیت قرآن کریم دقیقاً ناشی از جامعیت آن است. اثبات این جامعیت کمک زیادی در اثبات مرجعیت علمی قرآن کریم می‌کند.

در تعیین گستره مرجعیت علمی قرآن کریم و در پاسخ‌گویی به انواع نیازهای علمی بشر، رویکرد اندیشمندان و مفسران متفاوت بوده است. در این زمینه سه رویکرد حداکثری، حداقلی، و اعتدالی وجود دارد.

آیت‌الله جوادی‌آملی و آیت‌الله مصباح‌یزدی از جمله معتقدان به نظریه اعتدالی هستند. علامه جوادی‌آملی ضمن بیان اعجاز علمی قرآن کریم با بهره‌گیری از دلایل عقلی مانند جامع و جاودان بودن قرآن، دینی بودن تمام علوم، و دلایل نقلی نظیر نوآوری قرآن در برخی مطالب علمی و تصریح ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نظریه خویش را اثبات کرده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۳۲ و ۱۳۳). ایشان معتقد است چون در حقیقت عالم صنع خداوند است، پس علم لاجرم الهی و دینی است و هرگز علم الحادی نداریم (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۳۰). آیت‌الله مصباح‌یزدی نیز با طرح مباحثی نظیر جامعیت قرآن در هدایت بشر و نیز وجود قوانین ثابت در آن به اثبات مرجعیت علمی قرآن می‌پردازد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۳۰۲). البته روش استدلال بین این دو مفسر متفاوت است که بدان خواهیم پرداخت.

در باب دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی و آیت‌الله مصباح‌یزدی درباره مرجعیت علمی قرآن، سه محور مشترک وجود دارد که عبارت‌اند از: الف) محوریت قرآن برای تمام مسلمانان در علوم مختلف، اعم از اسلامی و انسانی، و این مسئله همواره در طول تاریخ مورد استناد بوده است؛ ب) اعتقاد به جامعیت قرآن کریم سبب پذیرش مرجعیت قرآن کریم نیز می‌شود. زیرا این مرجعیت ناشی از جامعیت آن است و اثبات این جامعیت کمک زیادی در اثبات مرجعیت قرآن کریم می‌کند؛ ج) قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید پیامبر اسلام^(ص) و مهم‌ترین متن دین اسلام که تمام الفاظ آن عیناً بر پیامبر اسلام^(ص) وحی شده، برخلاف دیگر کتب آسمانی، هیچ تغییر و تحریفی در آن رخ نداده است. مجموع این اشتراکات محاسن را مورد توجه قرار می‌دهد و آن اینکه با توجه به مباحثی که مطرح شده هر دو اندیشمند جهت استناد و تکمیل استدلال‌ها و شواهد خویش از آیات قرآن کریم و روایات بهره‌جسته و به برخی از ویژگی‌های قرآن کریم مانند فصاحت، بلاغت، و اعجاز علمی قرآن اشاره کرده و به ارتباط علوم دینی، علوم انسانی، علوم تجربی، و مرجعیت قرآن کریم پرداخته‌اند.

قرآن همواره در طول تاریخ به عنوان یک مرجع اصلی مورد استناد قرار گرفته است؛ اما مفهوم مرجعیت علمی قرآن کریم از مسائل مهمی است که به طور کامل بدان پرداخته نشده و منابعی تدوین شده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

پیشینه تحقیق

منابع مستقیم در رابطه با مرجعیت علمی قرآن عبارت‌اند از:

۱. «مرجعیت علمی قرآن کریم» نوشته محمدعلی رضایی‌اصفهانی. ایشان معتقد است قرآن کریم مهم‌ترین منبع در اسلام است و در واقع مرجع علمی بشر محسوب می‌شود که در تمام علوم بشری، به‌ویژه علوم انسانی، ذیل شمول هدایت قرآنی قرار می‌گیرد.

۲. «مرجعیت علمی قرآن در حوزه علوم انسانی» نوشته عبدالرئوف عالمی. نویسنده در این مقاله جهت تولید دانش و توسعه

- معارف اسلامی راهکارهای اساسی جهت اسلامی ساختن علوم انسانی بیان می‌کند.
۳. «مرجعیت علمی قرآن کریم در مطالعه نظام سیاسی با الگوی علم دینی آیت‌الله جوادی آملی» نوشته غلامرضا بهروزی‌لک و محمدعلی قاسمی. هدف مقاله شناسایی الگوی دینی‌سازی علوم توسط آیت‌الله جوادی آملی بوده است.
 ۴. «مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبایی» نوشته محمد فاکرم‌میدی و محمدحسین رفیعی. در این مقاله به بررسی میزان اعتقاد به مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبایی پرداخته شده است. بر اساس برداشت ایشان، علامه طباطبایی معتقد به مرجعیت نسبی علمی قرآن کریم است.
 ۵. «مرجعیت علمی قرآن از نگاه شهید مطهری» نوشته محمد مهدی فیروزمهر. بنا بر برداشت ایشان، شهید مطهری معتقد است موضوعات اخلاقی، فقهی، فلسفی، و اجتماعی با زبان معمول و اصطلاحات رایج علمی مطرح نشده، ولی مسائل زیادی از علوم از قرآن قابل استنباط است.
 ۶. «علم دینی از منظر آیت‌الله جوادی آملی» نوشته حجت‌الاسلام احمد واعظی.
- منابع غیر مستقیم در رابطه با مرجعیت علمی قرآن عبارت‌اند از:
۱. «قرآن در قرآن» نوشته آیت‌الله جوادی آملی؛
 ۲. «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» نوشته آیت‌الله جوادی آملی و دکتر احمد واعظی؛
 ۳. «معارف قرآن» نوشته آیت‌الله مصباح‌یزدی؛
 ۴. «اسلامی‌سازی علوم انسانی» نوشته آیت‌الله مصباح‌یزدی.
- این تحقیقات و مانند آن مربوط به مرجعیت علمی قرآن کریم است. اما موضوع مورد بحث ما بررسی تطبیقی دیدگاه آیت‌الله جوادی و آیت‌الله مصباح است که در این موضوع پیشینه‌ای دیده نمی‌شود و این به عنوان نوآوری این تحقیق شمرده می‌شود.

مفهوم‌شناسی

مفهوم مرجعیت

کلمه مرجعیت از واژه مرجع (اسم مکان) به معنای محل بازگشتن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۱ ق، ج ۱: ۱۴۱). برای واژه مرجعیت چند معنای دیگر نیز ذکر شده است؛ مانند مرجع بودن، مورد رجوع بودن، محل مراجعه دیگران بودن (معین، ۱۳۸۸، واژه مرجعیت). به بیان دیگر، مرجعیت مصدر جعلی «رجع»، در واقع کلمه‌ای است که ضمیر به آن برمی‌گردد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۷، واژه مرجع).

مفهوم علمی

واژه «علمی» در لغت به معنی منسوب به علم یا وابسته به علم است (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه علمی) که به هر نوع آگاهی و دانشی، اعم از اسلامی و انسانی، اطلاق می‌شود.

به اعتقاد علامه مصباح، مفهوم علم از لحاظ لغوی به معنی آگاهی از واقعیت است. این معنا که شامل علم حضوری و حصولی می‌شود تمام اقسام آگاهی را دربرمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که حتی درباره علم خدای متعال هم صادق است. درحالی که روشن است ماهیت و نحوه علم الهی قابل مقایسه با علوم بشری نیست و معنای عالم بودن خدا نسبت به همه چیز این نیست که خداوند برای آگاهی از حقایق روش تجربی را به کار برد یا استدلالی عقلی کند؛ بلکه آنچه به کار بردن واژه علم درباره خداوند متعال را تجویز می‌کند وجود عنصر آگاهی صرف‌نظر از نحوه وجود یا راه کسب آن است که قدر مشترک و معنای لغوی «علم» است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۴۴). اما اصطلاح رایج علم در جهان امروز به معنای علوم تجربی و science است که به وسیله تجربه و حس به دست می‌آید و در مقابل مفهوم knowledge قرار دارد که مطلق معرفت‌هاست؛ جایی که می‌گوید: «علم بر اساس این اصطلاح مجموعه قضایایی است که علاوه بر آنکه غالباً جهت مشترکی دارند، یعنی قضایای شخصی نیستند و حالت روانی در آن‌ها لحاظ نشده است، مهم‌ترین شرطشان این است که اثبات محمول برای موضوع آن‌ها باید از راه تجربه حسی بوده و قابل ارائه به دیگران باشد» (سخنرانی‌های سال ۱۳۹۱، علم دینی، جلسه اول).

آیت‌الله جوادی آملی، حقیقت علم را عین کاشفیت از واقع معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۸) و عقل را به عنوان

روشی برای شناخت واقع می‌داند که شامل چهار قسم است؛ یعنی عقل تجربی در علوم طبیعی، عقل نیمه‌تجربیدی در ریاضیات، عقل تجربیدی در فلسفه، عقل ناب در عرفان نظری (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۲ و ۲۵).

قرآن کریم

قرآن کلام خدا و کتاب آسمانی مسلمانان است که به وسیله جبرئیل از جانب خداوند بر حضرت محمد^(ص) وحی شد. نزول قرآن یک‌مرتبه و به صورت یکجا (دفعی) و بار دیگر به صورت تدریجی و در طول ۲۳ سال صورت گرفت و پیامبر^(ص) آیات را بر مردم خوانده است و کاتبان وحی آن را نوشته‌اند. بسیاری معتقدند که قرآن کریم منشأ علوم و دانش‌های زیادی در بین مسلمانان است و علمی مانند تاریخ قرآن، تفسیر، مفردات قرآن، علوم قرآن، و علم اعراب و بلاغت قرآن از جمله این دانش‌هاست (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۸: ۲۲۱ و ۲۲۲). می‌توان گفت جامعیت قرآن شامل معارف مربوط به زندگی فردی، اجتماعی، دنیوی، و اخروی است و در جهت هدایت انسان به سوی کمال مطلق گام برداشته است، نه تنظیم و اهتمام امور دنیوی (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۸۹).

مفهوم مرجعیت علمی قرآن کریم

هرچند نمی‌توان برای مرجعیت علمی قرآن کریم به دلیل جدید بودن آن تعریف خاصی ارائه کرد، با مذاقه در کتب تفسیری و نظر دانشمندان علوم اسلامی، می‌توان قدر متیقنی از آن ارائه کرد: «اثرگذاری معنادار و روشمند قرآن کریم بر دانش‌های ساخت‌یافته است. این اثرگذاری به معنای تأثیر مستقیم در همه ابعاد علوم نیست؛ بلکه این اثرگذاری به گونه‌های مختلف و در عرصه‌های گوناگون علمی جاری است». پیرامون مفهوم مرجعیت علمی قرآن کریم، چند تفسیر و دیدگاه وجود دارد که در ذیل بیان می‌شود.

۱- از معدود مفسرانی که پیرامون مرجعیت قرآن کریم سخن به میان آورده علامه طباطبایی است. در بیان علامه طباطبایی، منشأ همه علوم، از جمله علوم حسی و تجربی، خود خداوند متعال است، با این توضیح که خداوند خالق حواس است و حواس انسانی نیز مجاری ادراکی او برای علوم طبیعی و پس از آن علوم عقلی‌اند. بنابراین، همه علوم که انسان در مسیر زندگی خود به آن‌ها نیازمند است و به تدریج کسب می‌کند، حتی بدیهیات، مستند به خود انسان نیست و منشأ الهی دارد و از این حیث علم، خود، مصداقی از هدایت است (فاکرمیددی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۹).

۲- برخی نیز معانی گسترده‌ای برای مرجعیت علمی قرآن ذکر می‌کنند؛ نظیر منبع بودن قرآن برای علوم و تأثیرگذاری حکمیتی. این بدین معناست که استفاده از هر منبعی متوقف به شناخت قبلی قرآن است و این کتاب معیار دیگر منابع است (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۶: ۲۵).

۳- مرجعیت به معنای سنجش گزاره‌های دانش با قرآن است. با توجه به این معنا، یا باید تمام گزاره‌های یکی از عرصه‌های علم انسانی در قرآن بیان شده باشد یا اگر در قرآن نیامده، با مبانی، متد، محتوا و غایات الهی در تعارض نباشد (عظیمی، ۱۳۹۶: ۱۶۴).

مفهوم مرجعیت قرآن کریم از دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی و آیت‌الله مصباح‌یزدی

۱. منظور از مرجعیت علمی قرآن کریم اتکا به کلام خداوند و سخنان منقول از معصومان^(ع) برای معرفت به محتوای آن‌ها از نوع مرجعیت است (مبانی علوم انسانی- اسلامی از دیدگاه علامه مصباح‌یزدی، ۱۳۹۸: ۴).

۲. قرآن معجزه جاوید پیامبر اکرم^(ص) و متن اصلی دین اسلام است که الفاظ آن عیناً بر پیامبر اسلام^(ص) وحی شده و برخلاف دیگر کتب آسمانی بدون هیچ تحریف و تغییری باقی مانده است؛ یعنی نه چیزی بر آن افزوده شده نه از آن چیزی کاسته شده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ.» (حجر / ۹)؛ ما قرآن را نازل کرده و ما خود آن را حفظ می‌کنیم. بنابراین، قرآن کتابی است که دربردارنده همه پیام‌های اصلی لازم برای سعادت انسان تا قیامت است (مبانی علوم انسانی- اسلامی از دیدگاه علامه مصباح‌یزدی، ۱۳۹۸: ۱۲۸).

۳. نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی‌آملی بر اساس آیه شریفه «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» (نحل / ۸۹) بر آن است که ظاهر و باطن قرآن کریم از نظر علمی مشتمل بر تمامی کائناتی است که در جهان هستی وجود دارند. بنابراین، منظور از «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» حاوی بودن قرآن کریم از لحاظ علمی بر هر چه در جهان تکوین و عالم خارج وجود دارد است. زیرا این کتاب عظیم الهی از مبدأ

اعلا تنزیل یافته و در آن مقام همه حقایق وجود جمعی دارند: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر/ ۲۱). پس، برای قرآن همان گونه که ظاهر عمیق است باطنی عمیق نیز هست و برخی از روایات نیز اشتغال قرآن بر همه علوم جهان هستی را تأیید می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۷).

در اینجا سعی بر آن است که دیدگاه دو اندیشمند معاصر، علامه مصباح یزدی و آیت الله جوادی آملی، پیرامون مرجعیت قرآن کریم مورد کندوکاو قرار گیرد.

با توجه به نکاتی که مطرح شد، اگر بخواهیم نظر آیت الله جوادی آملی را در مورد مرجعیت قرآن بیان کنیم، ایشان در باب علمی که در قرآن موجود است و رابطه آن با مرجعیت قرآن کریم، بر این باورند که: الف) رسالت قرآن کریم در معرفت شامل همه ارکان آن، اعم از معادشناسی، مبدأشناسی، رسالت شناسی، انسان شناسی، وحی و آشنایی با چگونگی پیدایش و پرورش موجودات عالم است؛ ب) مخاطبان اصلی و اولیه وحی حضرات معصومین^(ع) هستند که به تمام ظواهر و بواطن قرآن یعنی تمام دانش های حقیقی اشراف دارند و این اشراف سبب شده است که آن ها به تمام حقایق عالم هستی آگاهی پیدا کنند. ظواهر قرآن کریم می توانند دربردارنده همه علوم و آموزه های لازم و ضروری برای هدایت بشر تا قیامت باشد و در این زمینه هیچ کاستی وجود ندارد؛ ج) آموزه هایی که در قرآن کریم معطوف به هدایتگری است مبین خطوط کلی است و تفسیر آن بر عهده پیامبر اکرم^(ص) و حضرات معصومین^(ع) قرار داده شده است؛ د) مجموع ظاهر و باطن دربردارنده علوم حقیقی اند که حقایق جهان هستی را از ازل تا ابد بیان می کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۷ - ۲۸).

بررسی گستره مرجعیت قرآن کریم از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

آیت الله جوادی آملی موضوعاتی را در قلمرو مرجعیت قرآن کریم مطرح کرده است که با تأمل در آثار علمی ایشان می توان از آن ها به عنوان ادله ای بر توسعه قلمرو مرجعیت قرآن کریم استفاده کرد و در این راستا مباحث آتی مطرح می شود.

الف) پیشرفت علوم، اصول، و قوانین ثابت

با مدافه در نظریات آیت الله جوادی آملی، می توان به این مهم دست یافت که به رغم پیشرفت علوم در طول زمان و ادوار گذشته، در قرآن کریم ظرفیت ها و مباحث متعددی وجود دارد که امروزه می توان به عینه آن را مشاهده کرد. از این طیف آیات و روایاتی که در تفسیر آیات قرآن مطرح شده می توان به برخی از رموز و اسرار طبیعت پی برد که چهارده قرن پیش در قرآن آمده است؛ آیاتی که پیشرفت بشر و گذر زمان حقانیت مرجعیت آن ها را بازگو می کند و از اعجاز علمی قرآن می توان به نوعی رازگویی علمی و مرجعیت آن نام برد.

اگرچه اعجاز علمی قرآن کریم درصدد بیان عجز بشر از اتیان توسط انسان است، از این جهت که محتوای آن به نحوی است که به مسائل علمی ورود پیدا می کند می توان از آن در راستای مرجعیت علمی قرآن کریم استفاده کرد و در این بخش سعی می شود به صورت دقیق به تبیین این مسئله از دیدگاه آیت الله جوادی آملی پرداخته شود. ایشان اثبات مرجعیت قرآن کریم را از طریق پشتوانه های روایی دانسته اند که می توان از آن در مسیر نیل به معارف قرآنی استعانت جست. این بدان معناست که جهت اثبات کامل بودن این کتاب الهی می توان به تفسیر نقلی از روایات متوسل شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۳۲).

چنان که در کتاب (قرآن در قرآن) اشاره کرده اند قرآن کریم خود را کتابی برای همه مردم در تمامی اعصار معرفی می کند. این «کلیت» و «دوام» در تحدی قرآن نیز وجود دارد. زیرا این ویژگی ها به عنوان معجزه مطرح شده است و همان گونه که اعجاز قرآن تنها محدود به فصاحت و بلاغت نیست، تحدی نیز متفاوت خواهد بود و تنها مختص به فصاحت و بلاغت نیست، بلکه قرآن همه متخصصان علوم و فنون مختلف را به مثل آوری دعوت کرده است. بنابراین، اعجاز قرآن در فصاحت و بلاغت، محتوا، معارف، اخبار غیبی و دیگر جوانب بیانگر جامعیت قرآن و مرجعیت علمی این کتاب آسمانی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۳۴ - ۱۴۵).

در واقع، آیت الله جوادی آملی با یک نگاه اعتدالی در موضوع مرجعیت قرآن کریم با کمک روایات درصدد اثبات مدعای خویش است. ایشان معتقدند روایات منقول از ائمه معصومین^(ع) پشتوانه ای علمی البته اعجاز گونه در راستای مرجعیت قرآن محسوب می شوند. از جمله مصادیق اعجاز علمی قرآن این است که در چند مورد به قانون جاذبه اشاره دارد:

اول. «الله الذی رفع السماوات بغير عمد ترونها ثم استوی علی العرش وسخر الشمس والقمر کل یجری أجل مسمى یدبر الامر یفضل الآیات لعلکم بلقاء ربکم توقنون.» (رعد / ۲)؛ خداوند همان کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را ببینید برافراشت. آن‌گاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام کرد که هر یک برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند. خداوند در کار آفرینش تدبیر و آیات خود را به‌روشنی بیان می‌کند؛ امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید.

دوم. «خلق السماوات بغير عمد ترونها وألقى فی الأرض رواسی أن تمید بکم وبث فیها من کل دابة...» (لقمان / ۱۰)؛ آسمان‌ها را بی‌هیچ ستونی که آن را ببینید آفرید و در زمین کوه‌های استوار بیفکند تا مبادا زمین شما را بجنباند و در آن از هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرد.

از جمله روایات روایتی است که در تبیین این آیه در تفسیر «نور الثقلین» آمده است. حسین بن خالد می‌گوید: «از امام رضا^(ع) درباره این آیه سؤال کردم: والسماء ذات الحجب (ذاریات / ۷). فرمود: آسمان و زمین در هم شبکه شده است. و انگشتان دستان خویش را در هم داخل کرد. گفتم: چگونه آسمان و زمین در هم شبکه شده است (و همدیگر را نگه داشته‌اند و حال آنکه خداوند می‌فرماید: رفع السماوات بغير عمد ترونها ... (رعد / ۲). فرمود: منزّه است خدا (سبحان الله). آیا نمی‌فرماید: بغير عمد ترونها؟ گفتم: چرا. فرمود: پس ستونی وجود دارد. ولی شما آن را نمی‌بینید. فثم عمد ولكن لا ترونها» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۸۰ و ج ۴: ۱۹۵). حسین بن خالد در فهم آیه به اشتباه افتاده بود و خیال می‌کرد معنای آیه این است که آسمان‌ها چنان که می‌بینید بدون ستون برافراشته شده‌اند. ولی امام رضا^(ع) فرمود: «آسمان‌ها را بدون ستونی که ببینید بالا برد.»؛ یعنی ستون دارد ولی شما آن را نمی‌بینید و آن ستون نیز به گونه‌ای است که مایه تعادل زمین و آسمان شده است و انگشت‌های خود را بدین منظور در هم شبکه کرد. بنابراین، نیروهایی که قرآن از آن‌ها نام می‌برد و سبب برپایی زمین و آسمان‌ها می‌شوند چه‌بسا قانون جاذبه و نیروی گریز از مرکز باشد که تاکنون شناخته نشده است. البته احتمال‌های دیگر فیزیکی و ریاضی کاملاً مطرح است و صلاحیت ارائه علمی دارد.

به طور کلی، می‌توان گفت آیت‌الله جوادی آملی در باب پیشرفت علوم، اصول، و قوانین ثابت بر این نظر هستند که منابع روایی در اثبات مرجعیت قرآن کریم بسیار مهم است و آن‌ها را حجت می‌دانند و معتقد هستند می‌توان از آن پشوانه در راستای نیل به معارف قرآنی استعانت جست. در واقع، ایشان بر این مسئله تأکید می‌کنند که برای اثبات کامل بودن قرآن کریم باید به تفسیر نقلی از روایات تمسک شود. با توجه به اینکه اعجاز قرآن کریم منحصر در فصاحت و بلاغت نیست و بیانگر دیگر مسائل نیز هست و با توجه به نگاه اعتدالی ایشان نسبت به مرجعیت قرآن کریم، معتقدند به کمک روایات به عنوان یک پشوانه علمی می‌توان اعجاز‌گونگی قرآن را در راستای مرجعیت قرآن کریم مطرح کنیم.

ب) رابطه مرجعیت علمی با علوم انسانی و تجربی

در بدو نزول قرآن کریم، کشف رابطه قرآن با دیگر علوم، بسیار سخت بوده و دلیل آن عدم درک مبانی و مفاهیم والای آیات وحی بوده است. پیشرفت علوم و پیچیدگی ارتباطات سبب گردید تا نگاه به آیات قرآن کریم جدا از سطحی‌نگری مورد تأمل قرار گیرد. یکی از علوم چالش‌برانگیز که همواره مورد اختلاف علما و مفسران قرار می‌گیرد علوم تجربی است. به عبارت دیگر، منشأ این اختلاف ناشی از حاکم دانستن یا ندانستن کلام وحی در علوم تجربی است. سه دیدگاه پیرامون ارتباط قرآن با علوم تجربی بیان شده که یکی نگاه حداکثری است. بر اساس این دیدگاه، همه جزئیات علوم در قرآن وجود دارد. خاستگاه این دیدگاه سخنان غزالی است (غزالی، ۱۳۶۵: ۱۸؛ غزالی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۲۸۹). در واقع، این رویکرد یک نگاه حداکثری به مرجعیت قرآن دارد که دربرگیرنده تمام علوم است (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

در مقابل، این تفکر در بین صاحب‌نظران و مفسران اسلام وجود دارد که معتقدند چنین برداشتی از قرآن خلاف واقع‌گرایی و واقع‌بینی اسلامی است. آن‌ها افرادی نظیر طنطاوی را به دلیل سعی در تطبیق پیشرفت‌های بشری با علوم قرآنی نکوهش می‌کنند و معتقد هستند تلاش جهت مستند قرار دادن علوم تجربی با قرآن توجیه‌ناپذیر است (داوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۶). در واقع، دیدگاه دوم پیرامون ارتباط قرآن و علوم تجربی یک رویکرد حداقلی است. این بدین معناست که قرآن کتاب هدایت است و به مسائل تجربی نپرداخته است (داوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

دیدگاه سوم پیرامون این ارتباط سعی می‌کند با دیدگاه میانه به موضوع بنگرد. این رویکرد معتقد است در قرآن مبانی و اصول کلی علوم مطرح شده، اما در ظاهر آیات قرآن به مسائل جزئی علوم پرداخته نشده است. همچنین، مبانی مطرح در قرآن کریم که معطوف به تفکر و دعوت به علم است در راستای هدایت انسان و خداشناسی است و برخی این را از اعجاز قرآن کریم می‌دانند. زیرا هدف قرآن هدایت انسان است و قرآن کتاب شیمی و فیزیک و غیره نیست (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

با توجه به تبیینی که از سه رویکرد فوق ارائه شد، در این بخش به بیان دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی خواهیم پرداخت. ایشان معتقدند علوم تجربی که حاصل تلاش بشر است بسیار محترم است و نمی‌توان آن را رد کرد یا نادیده پنداشت و از طرفی نمی‌توان صد درصد آن را قبول کرد. ایشان با نگاهی اعتدالی به چنین علومی معتقد است برای رفع کاستی‌های موجود در علوم تجربی باید با وام‌گیری از منابع معرفت‌یافتی ضمن رفع عیوب، آن‌ها را با وحی هماهنگ سازیم و این به معنای نفی علوم تجربی نیست (جوادی‌آملی و واعظی، ۱۳۹۵: ۱۴۱ - ۱۴۳).

آیت‌الله جوادی‌آملی معتقد هستند علم اگر علم باشد، بدون تردید ریشه در منابع اسلامی نظیر قرآن دارد. ایشان تقسیم علوم به دینی و غیر دینی را رد می‌کنند و معتقدند رمز و اسرار در علم الهی نهفته است (جوادی‌آملی و واعظی، ۱۳۹۵: ۱۴). اساساً این دو سؤال مطرح می‌شود که آیا تقسیم علوم به دینی و غیر دینی درست است؟ آیا تحصیل علوم غیر دینی، غیر از اشتغال و تأمین مسائل مادی، رهاورد دیگری هم دارد؟ برخی در تقسیم‌بندی علم به دینی و غیر دینی بیان می‌دارند که اگر هر علمی در خدمت رفاه و آسایش و اخلاق و انسانیت باشد، می‌تواند دینی باشد و تجویز شود؛ در غیر این صورت، تقسیم علم به دینی و غیر دینی مفید نیست و نزاع و دعوا پیش می‌آورد و هیچ ثمره‌ای ندارد. اما آیت‌الله جوادی‌آملی در این باره معتقدند اساساً چنین تقسیم‌بندی‌ای از مبنا نادرست است و استدلال می‌کنند که همه علوم دینی است؛ یعنی علوم یا مانند فقه و اصول به صورت مستقیم به احکام بازمی‌گردد یا مثل علوم تجربی به موضوعات احکام بازمی‌گردد. علوم تجربی یا خود واجب است یا مقدمه واجب و قرآن کریم و اسلام هم بیشتر این علوم را طرح کرده‌اند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۱۶۷). با توجه به ابهامات و اشکالاتی که در باب علوم تجربی مطرح است، ایشان این مشکل را که در این سنخ از علوم رایج است آن می‌داند که در ابتدا و انتهای آن از خداوند و تبیین معارف الهی سخنی به میان نمی‌آید. مثلاً، معدن‌شناسی، زمین‌شناسی، و ستاره‌شناسی سیری افقی دارد؛ یعنی هر چه انسان از نظر علمی در آن پیش برود از خدا دورتر می‌شود. چون در هیچ‌یک از آن‌ها سخنی از خدا و پیامبر به میان نمی‌آید. اما اگر کسی این علوم را فرا بگیرد، تا مشکل کشور امام زمان (ع) را برطرف کند، کاری اسلامی و مورد رضایت خدا انجام داده است، هرچند ظاهر آن اسلامی نباشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۱۶۷ - ۱۶۸).

قرآن کریم همه این علوم مورد نیاز جامعه اسلامی را تحت شرایطی اسلامی معرفی می‌کند. علومی که اکنون در دانشگاه‌ها رواج دارد سیر افقی علوم است. مثلاً، زمین‌شناس با استفاده از نشانه‌های خاص می‌تواند بفهمد که فلان معدن چندین میلیون سال قبل چگونه بوده، اکنون در چه حالتی است، و صدها هزار سال بعد چه می‌شود. در کیهان‌شناسی، گیاه‌شناسی، و ... نیز همین سیر افقی جاری است. قرآن کریم بال‌هایی را در اختیار این علوم قرار می‌دهد تا در جهت بالا به پرواز درآیند و انسان دریابد که چه کسی و برای چه این علل و عوامل را آفریده است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

آیت‌الله جوادی‌آملی از آیه‌ای جهت مدعای خود استفاده می‌کند: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید/ ۳)؛ اوّل و آخر هستی و پیدا و پنهان وجود، همه، اوست و او به همه امور عالم داناست. «الْأَوَّلُ»: پیشین، بی‌آغاز، آن که بودنش پیش از بودن همه موجودات است؛ «الْآخِرُ»: پسین، بی‌انتهای، آن که پس از نابودی همه موجودات باقی و برجای است؛ «الظَّاهِرُ»: پیدا، نمودار، آن که همه چیز جهان بودن او را فریاد می‌دارند و بر وجود او دلالت دارند؛ «الْبَاطِنُ»: ناپیدا، نهان، آن که حواس او را احاطه نمی‌سازد و عقول او را درک نمی‌کند (قرآنی، ۱۳۷۶، ج ۹: ۴۵۹).

جریان باد، باران، و معدن‌شناسی هم در قرآن هم در علوم دانشگاهی وجود دارد. اما قرآن به این مسئله که چه کسی و برای چه باد، باران، و ... را آفریده می‌پردازد. در واقع، قرآن به علوم تجربی قدرت پرواز عمودی اعطا می‌کند تا اوج بگیرند و از سیر افقی خارج شوند. اگر «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ» به کتاب‌های دانشگاهی اضافه شود، با توجه به اینکه این علوم برای برطرف کردن نیازهای مردم مسلمان و کشورهای اسلامی از بیگانگان است، این علم اسلامی می‌شود. انسان می‌تواند برای فراگرفتن این علم

قصد قربت کند و همه کارهای او در این حال عبادت است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

در نتیجه، می‌توان برای رویکرد آیت‌الله جوادی‌آملی دو معیار کلی در باب دینی بودن علم مطرح کرد. اول آنکه هر گونه ادراکات و علوم که مطابق با واقع باشد آن علم دینی خواهد بود. زیرا هر علمی که به بررسی فعل و قول خداوند و همچنین بررسی قول و فعل معصوم^(ع) پردازد علم دینی است. دوم آنکه علم فی نفسه نه دینی است نه سکولار، بلکه دینی بودن یا سکولار بودن علوم به فلسفه مطلق (جهان‌بینی) برمی‌گردد. این بدین معناست که فلسفه مطلق چون تولیت نگرش جامع به جهان را به عهده دارد جهان‌آرای زشت یا زیبایی خواهد بود. تمام اندیشه‌های علمی و انگیزه‌های عملی در بستر جهان‌بینی شکل می‌گیرد و هیچ دانشی اعم از عقلی یا نقلی نیست مگر آنکه در بستر فلسفه الهی یا الحادی قرار می‌گیرد. نتیجه: دو معیار یادشده مبتنی بر مبانی خاصی است، اعم از مبانی دین‌شناختی و علم‌شناختی. این مبانی و معیارها دارای برآیند و نتایج مختلفی در باب علم دینی است که برخی از آن‌ها از ابهامات و ایرادات این نظریه به حساب می‌آید؛ اما در عین حال نظریه یادشده از قوی‌ترین و جامع‌ترین نظریه‌ها در این باب است (علی‌تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵: ۳۲۳).

با توجه به مباحث مطرح‌شده و اهمیت موضوع، می‌توان نظر آیت‌الله جوادی‌آملی درباره علوم تجربی را بدین شرح بیان کرد که اگرچه حاصل تلاش بشر است و نمی‌توان آن را نادیده انگاشت، نمی‌توان آن را به صورت کامل نیز پذیرفت. با توجه به نگاه اعتدالی ایشان به علوم تجربی، بر این نظرند که در این علوم کاستی‌هایی وجود دارد و نیاز به منابع معرفتی ضروری است. در واقع، برای رفع عیوب و نقص‌ها باید از منبع وحی جهت کامل کردن علوم تجربی استفاده کرد و با این مسئله هیچ تضادی بین پذیرش علوم تجربی و وحی وجود ندارد. زیرا ما علوم تجربی را نفی نمی‌کنیم، بلکه در راستای تکامل آن اعتقاد داریم که باید از منابع اسلامی استفاده کرد. ایشان همچنین معتقدند که اگر ما یک پدیده‌ای را علمی بدانیم، قطعاً ریشه در منابع اسلامی و قرآن دارند. از این رو، هر گونه تقسیم‌بندی علوم را به دینی و غیر دینی قبول ندارند و معتقدند تمام اسرار در علم الهی نهفته است که باید کشف شود.

ج) جامعیت قرآن کریم در هدایت بشر

یکی از موضوعات مسلم در بین مفسران آن است که لازمه اعتقاد به جامعیت قرآن کریم پذیرش جامعیت قرآن کریم است (فاکریمی‌دی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸). جامعیت از دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی بدین معناست که معارف قرآنی در بُعد انسان‌شناسی و جهان‌شناسی برای سعادت نوع بشر برنامه دارد و آن برنامه‌ها منطبق بر معیارهای عقلی و علمی است که بشر را هدایت خواهد کرد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۲۷۷). در واقع، تعریف ایشان از جامعیت معطوف به جاودانگی و ضرورت استمرار در رجوع است که از اهمیت والایی برخوردار است.

در آیه «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» (نحل / ۸۹) تبیان در معنای مصدری به معنی بیان کردن است و عبارت «لَكُلِّ شَيْءٍ» در آیه نیز بیان‌کننده همه چیز است. در نتیجه، جامعیت قرآن به معنای جامعیت در تمام امور انسان‌سازی و معرفت‌شناسی و کلیه امور معنوی و مادی است. البته تبیان بودن هرگز بدان معنا نیست که همه احکام دین را به شکل شفاف بیان کرده باشد، بلکه با کمک عقل یا نقل است و متمیم آن با روایت نقلی یا درایت عقلی منافی با تبیان بودن قرآن کریم نیست. در واقع، تعبیر «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» بدین معناست که این کتاب الگوی پاسخ‌گویی جامعه بشری است که در تمام فنون ورود کرده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴: ۱۲۹). اثربخشی، تازگی، جهان‌شمولیت و جاذبه مفاهیم قرآنی از جمله ویژگی‌هایی است که سبب شده انسان را از گرفتاری‌های دنیوی برهاند و سبب هدایت بشریت شود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۲۷۷).

این آیه از قرآن کریم که خداوند می‌فرماید: «قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْنَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنْ مَعَ اللَّهِ إِلَهٌ آخَرُ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام/ ۱۹)؛ بگو گواهی کدام چیز بزرگ‌تر است (از گواهی خدا)؟ بگو خدا میان من و شما گواه است و وحی شده به من آیات این قرآن تا به وسیله آن شما و هر کس را که خبر این قرآن به او رسد ترسانم. آیا شما به راستی گواهی می‌دهید که با خدای یکتا خدایان دیگری وجود دارد؟ بگو من گواهی نمی‌دهم. بگو محققاً او خدایی یکتاست و من بیزارم از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید، معطوف به رسالت پیامبر خاتم^(ص) برای تمام عصرها و نسل‌ها و نیز برای نوع بشر است.

با عنایت به آنچه بیان شد تعریف جامعیت از نظر آیت‌الله جوادی‌آملی معطوف به جاودانگی و ضرورت استمرار در رجوع است و این بر دو ویژگی اساسی «کمال» و «عصمت» قرآن استوار است. همچنین، از نظر ایشان، گستره و قلمرو مرجعیت علمی قرآن، اعم از ظاهر و باطن آن، دربردارنده همه علوم حقیقی است و مراد از علوم حقیقی علمی است که بیانگر حقایق جهان باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۷).

در جمع‌بندی اندیشه آیت‌الله جوادی‌آملی می‌توان گفت جامعیت قرآن کریم در هدایت بشر از دیدگاه ایشان بدین معناست که در ابعاد انسان‌شناسی و جهان‌شناسی قرآن کریم برای سعادت و هدایت تمام بشر برنامه دارد و این منطق بر معیارهای علمی و عقلی است. نکته مهمی که ایشان در باب جامعیت قرآن کریم مطرح می‌کنند آن است که این جامعیت معطوف به جاودانگی و ضرورت استمرار در رجوع است که اهمیت زیادی دارد. ایشان در این باره بیان می‌کنند: «هر چیزی که در سیادت و سعادت انسان‌ها نقش مؤثری دارد در این کتاب الهی بیان شده و اگر کاری سبب فراهم ساختن سعادت بشر است قرآن بدان فرمان داده است و اگر ارتکاب عملی مایه فرومایگی و شقاوت بشر می‌شود پرهیز از آن به صورت دستوری بایسته در آن آمده است.» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ۱۹۰).

بررسی گستره مرجعیت قرآن کریم از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی

در این بخش، سعی خواهد شد با توجه به نظریات آیت‌الله مصباح‌یزدی دیدگاه ایشان در راستای گستره و توسعه مباحث مربوط به مرجعیت قرآن کریم مورد تبیین و واکاوی قرار گیرد. از این رو، از مباحث ذیل به عنوان دلیل جهت تبیین موضوع استفاده می‌شود.

الف) پیشرفت علوم، اصول، و قوانین ثابت

این سؤال مطرح می‌شود که آیا با قوانین موضوعه ثابت که در منابع اسلامی، از جمله قرآن کریم آمده، می‌توان ارتباطی بین گستردگی ارتباطات اجتماعی و جوامع از یک سو و پیشرفت علوم تجربی از سوی دیگر برقرار کرد؟ به عبارت دیگر، پیوند بین علوم جدید با آیاتی که ۱۴ قرن پیش نازل شده چگونه امکان‌پذیر است؟ امکان‌سنجی از پاسخ به این سؤال و اثبات ظرفیت و پاسخ‌گویی به کشف ارتباط علوم جدید با قوانین ثابت موضوعه امکان بحث پیرامون مرجعیت علمی قرآن کریم را به وجود می‌آورد.

باید به این نکته توجه شود که قوانین در اسلام به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم می‌شود که قوانین ثابت معطوف به شئون اجتماعی و فردی انسان است که برگرفته از اصول فطری و غریزی ثابت او و همواره ثابت است (سیحانی، ۱۳۸۷: ۲۵). در مقابل، قوانین متغیر با توجه به شرایط و مقتضیات قابل تغییر هستند. این تقسیم‌بندی از قوانین بدین معنا است که به تناسب نیازهای متغیر انسانی می‌توان قوانین جدیدی را کشف کرد و ایجاد قوانین جدید نباید خارج از اصول ثابت اسلامی باشد. از این رو، مستند کردن قوانین به منبع وحیانی بسیار ضروری است. در واقع، این انعطاف‌پذیری یک ویژگی منحصر به فرد محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

آیت‌الله مصباح‌یزدی معتقدند قرآن به عنوان منبع قوانین ثابت همواره خطوط کلی در تمام اعصار بوده و هست. ایشان معتقدند خداوند عقل و دین را در اختیار انسان قرار داده است که قرآن خطوط کلی ترقی و تکامل انسان را نشان دهد و عقل و تفکر زمینه تحقق اهداف قرآن را فراهم می‌آورد. بنابراین از همین قواعد و کلیات می‌توان در راستای مسائل اجتماعی، سیاسی، و ... کمک گرفت (اولین کنگره بین‌المللی علوم انسانی- اسلامی، جلسه دوم؛ به نقل از موسوی عبادی، بی‌تا: ۱۷).

با توجه به آنچه بیان شد قوانین ثابت که از طرف خداوند وضع شده غیر قابل تبدیل است. اما برای قوانین متغیر می‌توان چارچوب‌هایی تعیین کرد که در عین حال بتوان از ظرفیت آن به صورت بی‌حد و حصر استفاده و قوانین جدید وضع کرد (مصباح‌یزدی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۵۰).

به طور کلی، نظر آیت‌الله مصباح‌یزدی در باب مباحث پیشرفت علوم، اصول، و قوانین ثابت این است که قرآن یک قوانین ثابت و خطوط کلی را ترسیم کرده که در تمام عصرها قابل استفاده است و اساساً خداوند دو موهبت عقل و دین را توأمان در

اختیار انسان‌ها قرار داده است و در این میان قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع الهی در راستای پیشرفت، تعالی، و تکامل انسان گام برمی‌دارد و تفکر و تعقل انسان‌ها زمینه تحقق اهداف قرآن را فراهم می‌آورد. از این رو، قواعد و کلیات مطرح‌شده در قرآن را می‌توان در راستای فهم مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی استفاده کرد.

(ب) رابطه مرجعیت علمی با علوم انسانی و تجربی

آیت‌الله مصباح معتقدند هر علمی که مبانی، اهداف، و منابع آن با آموزه‌های اسلام موافق باشد علم اسلامی است و در صورتی که در یکی از این سه مورد با اسلام موافق نباشد اسلامی نخواهد بود (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۸: ۲۳). همچنین، آیت‌الله جوادی‌آملی بر این نظر هستند که تمامی علوم و اندیشه‌های علمی در بستر جهان‌بینی شکل می‌گیرد و هیچ دانشی نیست مگر آنکه در بستر فلسفه الهی یا فلسفه الحادی قرار داشته باشد. پس، همه فلسفه‌های مضاف و علوم تجربی در زادروز خود یا الهی‌اند یا الحادی؛ هرچند عالم آن رشته تفصیلاً از آن آگاه نباشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۱۶۹ - ۱۷۰). نظریات این دو اندیشمند به طور کلی به یک مفهوم اشاره دارند. اما تفاوتی جزئی نیز بین آن‌ها وجود دارد؛ بدین شکل که اولی در مورد ماهیت علوم سخن می‌گوید، اما نظریه دوم متوجه خاستگاه علوم است که همگی از ابتدا یا الهی هستند یا الحادی، غیر از فلسفه مطلق (یعنی جهان‌بینی کلی) که در طلیعه میلاد خود نه الهی است نه الحادی، اما در ادامه مسیر چاره‌ای ندارد جز آنکه درباره وجود و مبدأ هستی بحث کند. بنابراین، حدوداً مطلق است، اما بقاء مقید است.

آیت‌الله مصباح‌یزدی بر این نکته تأکید می‌ورزند که استناد و رجوع به قرآن و روایات منقول از ائمه معصومین^(ع) نوعی مرجعیت در راستای معرفت‌شناسی به علوم محسوب می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۲۰۴ - ۲۰۸). ایشان معتقدند قرآن دربرگیرنده همه پیام‌های اصلی جهت سوق دادن انسان به سعادت محسوب می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۱۲۸). آیت‌الله مصباح در تبیین چارچوب و خطوط علم اسلامی هم‌سویی علوم با قرآن و روایات را به عنوان یک اصل مطرح می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۲۳). برخلاف درک غربی‌ها از علم که آن را در علم تجربی و حسی منحصر می‌کنند، معتقدند همه حوزه‌های معرفتی قابل تبیین و اثبات و هر یک دارای متد خاصی هستند و تمام آن‌ها اعم از علم (علم تجربی)^۱ و دانش (مطلق معرفت)^۲ ذیل تعریف علم قرار می‌گیرد (اولین کنگره بین‌المللی علوم انسانی - اسلامی، جلسه دوم؛ به نقل از موسوی عبادی، بی‌تا: ۶). علامه مصباح تولید علوم انسانی - اسلامی را اساسی‌ترین کار برای اسلامی‌سازی علوم می‌دانند (اولین کنگره بین‌المللی علوم انسانی - اسلامی، جلسه دوم؛ به نقل از موسوی عبادی، بی‌تا: ۲۳ - ۲۴). در واقع، ایشان از معرفت‌شناسی به عنوان بنیادی‌ترین مسئله در جهت طرح بحث خود استفاده می‌کنند و بدان معتقدند. این بدین معناست که تعریف از سعادت حل مشکلات اجتماعی بشر و رابطه قرآن با علوم بشری است (مصباح‌یزدی، ۱۳۶۸: ۲۸).

این سؤال مطرح می‌شود که نسبت علوم تجربی در شناخت معارف قرآنی با علوم انسانی چگونه است؟ اگرچه علوم تجربی از جزمیت و ثبات بیشتری برخوردار است و تحولات بنیادی در آن کمتر رخ می‌دهد و نتایج آن نسبتاً قوی‌تر از نتایج علوم انسانی است، ارتباط علوم انسانی با قرآن بیش از علوم تجربی است. زیرا موضوع و هدف قرآن با علوم انسانی که اخلاق، جامعه، تاریخ، اقتصاد، حقوق، و ... را دربرمی‌گیرد پیوند زیادی دارد و برخلاف علوم تجربی که کاربرد آن در معارف قرآنی جنبه استطرادی دارد، تماماً معطوف به حوزه علوم انسانی - اسلامی است (مصباح‌یزدی، ۱۳۶۸). با این نگاه، علم تجربی اگر در راستای مبانی صحیح (یعنی اصولی که با قرآن موافق‌اند و عقل و نقل با هم توافق کامل دارند) نباشد، اسلامی نیست.

قرآن به همه نیازهایی که در راستای سعادت دنیوی و اخروی بشر قرار داشته باشد پاسخ داده است، گاهی به تفصیل و گاهی به اجمال؛ یعنی این رسالت قرآن است و حکمت بالغه الهی مقتضی بیان این ابعاد است. در آیه یادشده منظور از «تبیین» یا بیانی اعم از ظاهری و باطنی است و منظور از بیان اعم در اینجا ورود در جزئیات یا در بیان خطوط کلی است (که بیان باطنی قرآن را کسی جز پیامبر^(ص) و ائمه اطهار^(ع) درک نمی‌کند و در این فرض افراد عادی از فهم آن حقایق عاجزند و نمی‌توانند پاسخ نیازها را خود از قرآن بگیرند).

علامه مصباح «جامعیت» را مصدري جعلی می‌دانند که در زبان فارسی رواج یافته است. این واژه که از ریشه «جمع» گرفته شده و در معنای فراگیر بودن و شمول آمده در کتاب‌های عربی جدید با واژه «شمولیه» بدان اشاره می‌کنند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴: ۲۸۷). از نظر ایشان، قرآن متن اصلی استنادی دین اسلام محسوب می‌شود و معتقدند دین اسلام به دلیل جهان‌شمولی بر تمام عرصه‌های زندگی بشر تأثیر می‌گذارد. قرآن راهنمای خطوط کلی است و این بدان معناست که تمام علوم باید در آن جهت حرکت کنند و هماهنگ با آن باشند. ایشان یک موضوع بسیار مهم را در قالب سؤال مطرح می‌کنند و آن اینکه اساساً آیا تمام علوم در قرآن آمده است یا خیر؟ بدون تردید، اگر ادعا شود علوم بالجمله و به صورت نظام‌مند در قرآن آمده اشتباه است. زیرا فقه که نزدیک‌ترین موضوع علمی به مسائل الهی محسوب می‌شود در مورد آن چنین ادعایی صحیح نیست، چه رسد به دیگر علوم. البته در بخش بعدی بر مبنای تقسیم‌بندی‌ای که آیت‌الله مصباح‌یزدی در مورد نگاه جامع قرآن مطرح می‌کنند تبیین بیشتری از موضوعات خواهد شد. اما به طور کلی این ادعا را می‌توان مطرح کرد که برخی از اصول و کلیات در قرآن وجود دارد که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت آیت‌الله مصباح‌یزدی در باب ارتباط مرجعیت علمی قرآن کریم با علوم انسانی و تجربی معتقدند که هر نوع استناد به قرآن و روایات نوعی مرجعیت در راستای شناخت علوم محسوب می‌شود و بر این باورند که قرآن دربردارنده همه پیام‌های اصلی در راستای سوق دادن انسان‌ها به سعادت است. بنابراین هم‌سویی علوم، چه انسانی چه تجربی، با قرآن و روایات یک اصل خدشه‌ناپذیر محسوب می‌شود. از این رو، برخلاف دانشمندان غربی که علم را منحصر در حس و تجربه می‌کنند و از دیگر منابع علوم، مانند وحی، بی‌اطلاع‌اند یا آن را نفی می‌کنند، معتقدند تمام علوم تجربی که مبتنی بر حس و مشاهده‌اند و چه دانشی که مطلق معرفت است ذیل تعریف علم محسوب می‌شود و تمام آن‌ها باید از منبع معرفتی وحی استفاده کنند. ایشان بر این مسئله تأکید می‌ورزند که تولید علوم اسلامی و انسانی اساس دیگر علوم محسوب می‌شود و برای اسلامی‌سازی نیز باید این امر محقق شود. زیرا از نظر ایشان معرفت‌شناسی بنیادی‌ترین مسئله جهت فهم مباحث محسوب می‌شود و سعادت بشر و حل مشکلات اجتماعی آن‌ها معطوف به رابطه قرآن و علوم است.

ج) جامعیت قرآن کریم در هدایت بشر

اگرچه مفهوم جامعیت در میان علوم قرآنی یک واژه جدید محسوب می‌شود و از این مفهوم تحت عنوان «علوم مستنبط از قرآن» نام برده می‌شود (سیوطی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۹۳)، به طور کلی، این مفهوم در بین مفسران معاصر بسیار به کار می‌رود و اگر بخواهیم یک تعریف از آن ارائه دهیم آن است که مقصود از جامعیت قرآن «شمول و فراگیر بودن آیات و آموزه‌های آن نسبت به همه شئون زندگی بشر در تمامی دوران‌ها و اعصار» است (مؤدب، ۱۳۹۰: ۲۳۳). بسیاری از مفسران مانند علامه طباطبایی هدایتگری در قرآن را از جمله شئون اساسی و اصول نام برده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۳۲۴). ایشان آیاتی مانند: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (اعراف/ ۱۵۸)؛ ای رسول ما، به خلق بگو که من بر همه شما بشریت رسول خدایم، آن خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/ ۱۰۷)؛ ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم را از آیاتی می‌دانند که ضمن اشاره به رسالت فراگیر پیامبر^(ص) نشانه جامعیت مفاهیم این کتاب الهی است (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۳۲۳ - ۳۲۴).

با توجه به آنچه بیان شد، وقتی جامعیت در هدایت اثبات شود، تمام علوم اعم از تجربی، اجتماعی، و انسانی باید در راستای همان هدایتگری حرکت کنند. همین عنصر هدایتگری می‌تواند منبع و جهت‌دهنده علوم باشد. وجه مشترک تعاریف فوق قلمرو معارف قرآن است. به عبارت دیگر، جامعیت قرآن عبارت است از قلمرو سخنان و معارف قرآن؛ بدین معنا که آیا قلمرو گفته‌های قرآن کریم را محدوده یا موضوعات خاصی تشکیل می‌دهد یا آنکه حوزه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، دنیایی و آخرت‌ی و حتی مسائل علمی و تخصصی را دربرمی‌گیرد. چه موضوعاتی در قرآن مطرح شده است و در نتیجه در چه زمینه‌هایی باید از قرآن بهره گرفت؟ (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ج ۶: ۲۸۷). آیت‌الله مصباح نوع دیگری از مرجعیت علمی قرآن کریم را جامعیت قرآن در هدایتگری به سوی سعادت دنیا و آخرت بیان می‌دارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ج ۶).

ایشان سه نوع هدایتگری را ترسیم می‌کند: الف) حداکثری که ناظر به بیان حقایق هستی است. آیه «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا

يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام/ ۵۹)؛ و کلیدهای خزاین غیب نزد اوست. کسی جز او بر آن آگاه نیست و نیز آنچه در خشکی و دریاست همه را می‌داند و هیچ برگی از درخت نمی‌افتد مگر آنکه او آگاه است و نه هیچ دانه‌ای در زیر تاریکی‌های زمین و نه هیچ تر و خشکی جز آنکه در کتابی مبین مسطور است. آیت‌الله مصباح آیۀ فوق را در تأیید این نظریه آورده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۲۹۴؛ ب) حداقلی که ناظر به هدایت آخرتی بشر است؛ ج) جامعیت در هدایتگری که در راستای نیل به سعادت دنیوی و اخروی است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۲۹۰).

آیت‌الله مصباح‌یزدی آیۀ «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل/ ۸۹)؛ و روزی که ما در میان هر امتی از (رسولان) خودشان گواهی بر آنان برانگیزیم و تو را (ای محمد) بر این امت گواه آریم (آن روز سخت را یاد کن و امت را متذکر ساز) و ما بر تو این کتاب (قرآن عظیم) را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد را به عنوان شاهد بر مدعای خویش مطرح می‌کند.

قدر متیقن از آیۀ فوق دو نکته قابل فهم است. یک. قرآن بیانگر هر چیزی است که در هدایت مردم نقش دارد. دو. آیات قرآن بیانگر اهداف قرآن هستند که به‌روشنی بر شأن هدایتی قرآن تصریح می‌کنند. از این رو، قرآن کتاب هدایت بشر به سوی سعادت و آخرت و دربرگیرنده مضامین گسترده‌ای است که برای هدایت همه‌جانبه انسان لازم است و به هر موضوعی که بدان پرداخته مقتضای حکمت و نیاز واقعی انسان است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۳۰۲).

آخرین دلیلی که آیت‌الله مصباح در باب مرجعیت علمی قرآن کریم مطرح می‌کند آن است که قرآن علت تام و فلسفه اصلی هدایت بشر به سوی سعادت اخروی و دنیوی است و علوم دیگر جنبه مقدماتی و تبعی دارند. از آنجا که علوم به صورت نظام‌مند در قرآن نیامده است، اگر این ادعا نیز مطرح شود که این کتاب در برگیرنده تمام علوم است و به صورت مجزا و خاص به تک‌تک آن‌ها پرداخته کاملاً اشتباه است. زیرا در علومى مانند فقه نمی‌توان چنین ادعایی را مطرح کرد. بنابراین با طرح این مدعا که هر علمی اگر در راستای سعادت بشر باشد مورد تأیید قرآن است، علوم تجربی و انسانی نیز به عنوان علمی مقدماتی ذیل قرآن قرار می‌گیرند. زیرا قرآن حاوی مطالب گسترده‌ای است که برای هدایت همه‌جانبه انسان لازم است. بنابراین مسائل علمی از این حیث جزء مسائل اصلی نیست.

از مجموع بیانات و اندیشه آیت‌الله مصباح‌یزدی در باب جامعیت قرآن کریم در هدایت بشر می‌توان دریافت که ایشان به نوع دیگری از مرجعیت قرآن کریم معتقدند و آن جامعیت در هدایتگری به سوی سعادت دنیوی و اخروی است. ایشان ضمن تبیین سه نوع هدایت حداکثری، حداقلی، و جامعیت در هدایتگری هدایتگری حداکثری را ناظر به بیان حقایق هستی، هدایتگری حداقلی را ناظر به هدایت اخروی بشر، و نوع سوم را در راستای نیل به سعادت دنیوی و اخروی می‌دانند. ایشان اساساً قرآن را علت تامه و فلسفه اصلی هدایت بشر را نیل به سعادت دنیوی و اخروی می‌دانند و دیگر علوم را تبعی و تمهیدی می‌نامند.

نتیجه

با نگاه کلی به مباحث مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه آیات عظام جوادی‌آملی و مصباح‌یزدی، می‌توان گفت که آیت‌الله جوادی‌آملی اعجاز و مرجعیت علمی قرآن، رابطه قرآن و علوم غیر انسانی (تجربی) و جامعیت، جاودانگی قرآن، و استمرار در رجوع را در اثبات مرجعیت علمی قرآن بیان داشته است و آیت‌الله مصباح‌یزدی جامعیت قرآن در هدایت بشر، مرجعیت علمی و علوم انسانی-اسلامی، و وجود اصول و قوانین ثابت در قرآن را به عنوان استدلال مطرح کرده است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و نیز با مدافعه در فحوای استدلال‌های ایشان به دست می‌آید که این دو بزرگوار پیرامون مرجعیت علمی قرآن دارای برخی اختلافات و اشتراکات نظری هستند که به تفکیک در ذیل بیان می‌شود:

الف) اشتراکات نظری

۱. قرآن دربردارنده پیام‌هایی برای سعادت بشر است.
۲. قرآن به همه نیازهای انسان، چه به‌صورت تفصیلی چه به صورت اجمالی، جواب داده است.

۳. قرآن منبع و مرجع و هدایتگر است.

۴. هر دو بزرگوار برای قرآن قائل به اثرگذاری استنباطی و استلهامی هستند. اثرگذاری استنباطی بدین معنا که مبانی، محتوا، روش، اصول، یا مسائل علم به طور مستقیم از قرآن استنباط شوند. تولید علم قرآنی مراحل و مراتبی دارد و نخستین مرتبه‌اش مراجعه مستقیم به قرآن برای استخراج گزاره‌ها و شبکه معنایی موضوع مورد نظر است. از این رو، یکی از ساحت‌های مرجعیت قرآن کریم مراجعه به قرآن و بهره‌مندی مستقیم از درون‌مایه‌های آن از طریق تفسیر و اجتهاد و استنباط است. اثرگذاری استلهامی قرآن کریم بدین معنا که درباره مسئله یا گزاره علمی مورد نظر مضمون و مفاد مستقیمی به طور عینی و اجتهادی در قرآن نیست، اما می‌توان از مجموع مفاد آیاتی از قرآن شامل معارف، مواعظ، احکام، قصص، و توصیفات که درباره آن مسئله است دیدگاه خاص قرآن را الهام گرفت. روشن است که در منطق استلهام میان آنچه ما می‌فهمیم و آنچه در متن قرآن کریم است دلالت مطابقی، تضمینی، و استلزام قطعی وجود ندارد، بلکه برداشتی فراتر از دلالت لفظی در حوزه فهم است که نیازمند تدوین شیوه و روش خاص خود است.

(ب) اختلافات نظری

در تبیین مرجعیت قرآن کریم از دو جهت بین دیدگاه دو بزرگوار تفاوت وجود دارد:

۱. تفاوت در ادله و اثبات مرجعیت قرآن کریم.

۲. تفاوت در نوع نگاه و زاویه دید به مفهوم مرجعیت علمی قرآن.

آیت‌الله جوادی‌آملی با نگاه انتزاعی به مرجعیت علمی قرآن بیان می‌دارد که ما یک علم داریم و تقسیم علوم به دینی و غیر دینی نادرست است و همه علوم دینی هستند. بعضی مثل فقه و اصول به احکام برمی‌گردند و برخی علوم مانند علوم تجربی به موضوعات احکام بازمی‌گردند. ولی علامه مصباح در تبیین علوم اسلامی، در مرجعیت علمی قرآن، هم‌سویی علوم با قرآن و روایات را یک اصل می‌دانند و به نظر ایشان استناد و رجوع به قرآن و روایات نوعی مرجعیت در راستای معرفت‌شناسی به علوم محسوب می‌شود. قرآن، علت تام و فلسفه اصلی هدایت بشر به سوی سعادت انسان است و علوم دیگر جنبه مقدماتی دارند. قرآن دربردارنده تمام علوم است.

منابع

- قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۱ ق). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷). مبانی علوم انسانی از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ه).
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۲). سرچشمه اندیشه. قم: مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۴). وحی و نبوت در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. تنظیم: احمد واعظی. قم: مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۷). شریعت در آینه معرفت (بررسی و نقد نظریه قبض و بسط تئوریک). قم: مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۸). قرآن در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۹۱). نسیم اندیشه پرسش‌ها و پاسخ‌ها از آیت‌الله جوادی‌آملی. (قم: مرکز نشر اسراء. دفتر اول.
- جوادی‌آملی، عبدالله و واعظی، احمد (۱۳۹۵). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: مرکز نشر اسراء.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). گستره شریعت. قم: دفتر نشر معارف.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی‌اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۶). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن. رشت: کتاب مبین.
- _____ (۱۳۸۸). علوم بشری و مثال‌های علمی در قرآن. مشکوه، ش ۶۲ - ۶۵.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۷). خاتمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل. قم: انتشارات امام صادق^(ع).
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۶۳). الاتقان فی علوم القرآن. تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۹). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عباسی، ولی‌الله (۱۳۸۳). نظریه دین حداکثری: درآمدی بر قلمرو گستره دین از نظر استاد مطهری. قبسات، ش ۳۰ و ۳۱.
- عروسی حویزی، عبدعلی‌بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نورالثقلین. ج ۴. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. ج ۲ و ۴.
- عظیمی، محمدشریفه (۱۳۹۶). چیستی و چگونگی مرجعیت قرآن در علوم انسانی. مجموعه مقالات. قم: نشر المصطفی.
- غزالی، امام محمد (۱۳۶۵). جواهر القرآن. قم: نشر بنیاد علوم اسلامی.
- _____ (۱۴۰۲ ق). احیاء علوم الدین. بیروت: دار المعرفه.
- فاکرمیددی، محسن و رفیعی، محمدحسین (۱۳۹۸). مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبایی. مطالعات علوم قرآنی، س ۱، ش ۱.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۶). تفسیر نور. قم: مؤسسه در راه حق. ج ۹.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸). قرآن‌شناسی. تحقیق و نگارش: غلام‌علی عزیزی‌کیا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۹۲). رابطه علم و دین، تحقیق و نگارش: علی مصباح، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۹۴). معارف قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ه).
- _____ (۱۴۰۱). نظریه سیاسی اسلام. ج ۳. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ه). ج ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۵). خاتمیت. تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیرکبیر.
- ملکی میانجی، محمدباقر (۱۴۱۴ ق). مناهج البیان فی تفسیر القرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۹۰). مبانی تفسیر قرآن. ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی عبادی، سید اسدالله. مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی. سایت: <http://qsa.isca.ac.ir/>

Holy Quran

- ‘Abbasi, V. (2003). The Theory of the Maximum Religion: An Introduction to the Scope of Religion from the Point of View of Professor Motahhari. *Qabasat*, No. 30 & 31. (in Persian)
- Anwari, H. (2002). *Farhang Buzurg Sukhan*. Tehran: Sukhan Publications. (in Persian)
- ‘Arusib Huweizi, A. J. (1415/1995). *Tafsir Nur al-Thaqalein*. 4th edition. Qom: Ismailian Press Institute. Vol. 2 & 4. (in Persian)
- ‘Azimi, M.Sh. (2016). What and How is the Authority of the Qur'an in Human Sciences, Collection of Essays. Qom: Al-Mustafa Publishing. (in Persian)
- A Group of Authors (2017). *Basics of Human Sciences from the Perspective of Ayatullah Misbah Yazdi*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (in Persian)
- Dihkhuda, A.A. (1998). *Dihkhuda Dictionary*. Supervised by: Mohammad Mo'in & Seyyed Ja'far Shahidi. Tehran: Tehran University Press. (in Persian)
- Fakir-Meibudi, M. & Rafi'i, M.H. (2018). The Scientific Authority of the Qur'an from the Perspective of Allameh Tabatabaie. *Studies in Qur'anic Sciences*, 1st year, 1st issue. (in Persian)
- Ghazzali, I.M. (1986). *Jawaher al-Qur'an*. Qom: Publishing House of Islamic Sciences. (in Persian)
- (1982). *Revival of Ulum al-Din*. Beirut: Dar al-Marifa. (in Persian)
- Ibn Manzur, M. M. (1991). *Lisan al-'Arab*. Beirut: Dar Sadir. (in Persian)
- Javadi Amuli, A. (2006). *Sarcheshme Andisheh*. Qom: Isra Publishing Center. (in Persian)
- (2008). *Revelation and Prophethood in the Qur'an*. Qom: Isra Publishing Center. (in Persian)
- (2010). *The Dignity of Reason in the Geometry of Religious Knowledge*. edited by Ahmad Wa'izi. Qom: Israa publishing center. (in Persian)
- (2011). *Shar'ia in the Mirror of Knowledge (Examination and Criticism of the Theory of Accounting and Theoretical Expansion)*. Qom: Isra Publishing Center. (in Persian)
- (2009). *Qur'an in Qur'an*. Qom: Isra Publishing Center. (in Persian)
- (2012). *Nasim Andisheh (Questions and Answers from Ayatullah Javadi Amuli)*. Qom: Isra Publishing Center. First book. (in Persian)
- Javadi-Amuli, A. & wa'izi, A. (2015). *The Dignity of Reason in the Geometry of Religious Knowledge*. Qom: Isra Publishing Center. (in Persian)
- Khusruhanah, A.H. (2012). *Gustareh Shari'at*. Qom, Ma'arif Publishing House. (in Persian)
- Majlisi, M.B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-'Arabi. (in Persian)
- Maliki Mianiji, M.B. (1994). *Manahij al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)
- Misbah Yazdi, M.T. (1989). *Quranic Studies*. Research and Writing: Ghulam-'Ali Azizikia. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (in Persian)
- (2022). *Political Theory of Islam*. 9th edition. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. Vol. 1. (in Persian)
- (2014). *Quran Education*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (in Persian)
- Muaddab, S. R. (2012). *Basics of Qur'an Interpretation*. second edition. Tehran: Tehran University Press. (in Persian)
- Mu'in, M. (2009). *Farhang Farsi Mu'in*. Tehran: Amirkabir Publications. (in Persian)
- Motahhari, M. (1997). *Collection of works*. Tehran: Sadra Publications. (in Persian)
- (2006). *Khatamiyyat*. Tehran: Sadra Publishing House. (in Persian)
- Musavi 'Ibadi, S. A. The Scientific Authority of the Qur'an from the Point of View of Ayatollah Misbah Yazdi, website: <http://qsa.isca.ac.ir/> (in Persian)
- Qaraati, M. (1997). *Tafsir Nur*. Qom: Institute on the Right Path. Vol. 9. (in Persian)
- Rezaie-Isfahani, M.A. (2006). *A Research on the Scientific Miracles of the Qur'an*. Rasht: Kitab Mubin Publications. (in Persian)
- (2008). Human Sciences and Scientific Examples in the Qur'an. *Mishkat Quarterly*, No. 65-62. (in Persian)
- Siyuti, J. (1984). *Al-Itqan fi 'Ulum al-Qur'an*. Tehran: Amirkabir Publications. (in Persian)
- Subhani, J. (2008). *Khatamiyyat According to the Qur'an, Hadith and Reason*. Qom: Imam Sadiq Publications (AS). (in Persian)
- Tabatabaie, S. M.H. (2000). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society.